


نوع مقاله: ترویجی


بررسی انتقادی دیدگاه حسن حنفی در مورد عالم قبر و برزخ

کج مجید مستمع / کارشناس ارشد فلسفه دین مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

mostame1370@chmail.ir
rzgoli639@gmail.com

 orcid.org/0009-0004-3142-2561

جواد گلی / استادیار گروه کلام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

چکیده

یکی از مسائل مهم در اعتقادات اسلامی، بحث معاد بوده و مسئله عالم قبر و برزخ نیز جزء چالش برانگیزترین مباحث معاد است. در میان جریان نومتزله، حسن حنفی جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان عالم قبر را فاقد حقیقت عینی دانسته و آن را زاییده ذهن بشر می‌داند. وی عذاب قبر را یک تصور عامیانه می‌داند که انسان آنچه را که در محسوسات می‌بیند، به عالم قبر که از دید پنهان است، نسبت می‌دهد. به اعتقاد وی باور به عالم قبر در اسلام، برگرفته از ادیان گذشته از جمله یهودیت و مسیحیت و اقوام گذشته، نظیر مصریان است. همچنین ایشان به مباحث مطرح شده در مورد عالم قبر و برزخ مانند نحوه و هدف از پرسش و پاسخ، چگونگی پاداش و جزا در عالم قبر و برزخ، اشکالات متعددی وارد می‌کند و ادله عقلی و نقلی در این زمینه را به چالش می‌کشد. البته مدعیات حسن حنفی در باب عالم قبر و برزخ مبتنی بر مبانی فکری غلطی است که اتخاذ کرده است و در این پژوهش به روش توصیفی، تحلیلی و انتقادی، به آنها پاسخ داده شده است.

کلیدواژه‌ها: معاد، عالم قبر، عالم برزخ، حسن حنفی.

مقدمه

معاد از اساسی‌ترین اصول ادیان الهی به‌ویژه اسلام است. به‌جهت جایگاه والای این مسئله و عمق تأثیر آن بر زندگی بشر، بحث معاد و مسائل مطرح ذیل آن، از دیرباز از سوی اندیشمندان فرق و جریان‌های اسلامی مورد بحث قرار گرفته است.

متفکران جریان نومعتزله، که یکی از جریان‌های نوظهور و البته بسیار مهم در دوران معاصر است نیز دربارهٔ مباحث معاد از جمله عالم قبر و برزخ مباحثی را مطرح کرده‌اند. این جریان با هدف تبیین رابطه سنت و مدرنیته و کارکرد معارف دینی در عصر حاضر، پا به‌عرصه وجود نهاده است. نومعتزله با تکیه بر مبانی‌ای، از جمله عقل‌گرایی و علم‌گرایی و با نگاهی انتقادی به حوزهٔ فلسفهٔ دین و کلام، در پی آن هستند که معارف اسلامی را بر مبنای عقل مدرن تبیین کنند.

در بین نومعتزله نیز همه دیدگاه یکسانی ندارند؛ برخی بیشتر دل در گرو دین دارند و به‌دنبال ارائهٔ وجه عقلانی از آموزه‌های دینی‌اند و برخی برعکس در پی تطبیق دین و معارف دینی بر مؤلفه‌های مدرنیته‌اند و بیشتر در پی ترسیم صورتی نو از دین که هم‌خوانی با مدرنیته و مؤلفه‌های آن داشته باشد، هستند؛ که از شخصیت‌های مهم این جریان، حسن حنفی است که در این زمینه طرحی با عنوان «السنة و التجديد» ارائه کرده است.

انتخاب حسن حنفی به‌عنوان شخصیت محوری در این پژوهش، بدان خاطر است که اولاً ایشان یک شخصیت بسیار مهم و تأثیرگذار در بین جریان نومعتزله است. ثانیاً با اینکه برخی دیگر از اندیشمندان نومعتزلی نیز به‌طور پراکنده در آثارشان به مسائل ذیل بحث معاد پرداخته‌اند، اما ایشان در کتاب *من العقیده الی الثوره* در زمینهٔ عالم قبر و برزخ به تفصیل سخن گفته است؛ که در هیچ‌یک از آثار دیگر نومعتزلیان، این جامعیت و وسعت بحث دیده نمی‌شود.

در مورد پیشینه این پژوهش باید گفت که آثاری در مورد بررسی افکار و نقد مبانی حسن حنفی نگاشته شده است؛ مانند: *آراء و اندیشه‌های حسن حنفی* (حاجی میرزایی، ۱۳۹۷)؛ یا *اسلام و تجدید در مصر* (آقاجانی، ۱۳۹۲)؛ که بازخوانی کلیات آراء حسن حنفی است. اما در این آثار فقط اشاره‌ای کوتاه به نظرات حسن حنفی شده است و در بخشی کوتاه در حد چند خط اشاره‌ای به دیدگاه ایشان در باب معاد شده، و هیچ‌کدام اصل معاد، مخصوصاً بحث عالم قبر و برزخ را جداگانه بررسی نکرده‌اند. اما در این پژوهش نظر حسن حنفی و

شبهات ایشان به عالم قبر و برزخ در چارچوبی جدید به تفصیل ارائه و بررسی گردیده است.

سؤال اصلی پژوهش این است که: دیدگاه حسن حنفی در مورد عالم قبر و برزخ چیست؟ و سؤالات فرعی نیز عبارتند از:

۱. مفهوم واژگان «قبر» و «برزخ» چیست؟ ۲. آیا واژگان «قبر» و «برزخ» در اصطلاح به یک حقیقت اشاره دارند یا متفاوتند؟ ۳. حسن حنفی عالم قبر را مادی می‌داند یا غیرمادی؟ ۴. اشکالات حسن حنفی با فرض مادی یا غیرمادی بودن عالم قبر چیست؟
- در این پژوهش بعد از تبیین مفاهیم کلیدی پژوهش و مشخص شدن محل بحث، به مسئلهٔ عالم قبر و برزخ از دیدگاه حسن حنفی اشاره و به نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱. تبیین مفاهیم

در تبیین واژه‌های کلیدی دخیل در این پژوهش باید گفت: واژه «قبر» در لغت به معنای محل استقرار میت و محل دفن انسان است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ذیل واژه «قبر»؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل واژه «قبر»). در اصطلاح نیز وقتی گفته می‌شود که انسان با مرگ از عالم دنیا خارج شده و وارد عالم قبر می‌شود، منظور همان عالم برزخ است. به‌لحاظ زمانی، عالم قبر یا برزخ، عالم متوسط بین عالم دنیا و قیامت است.

در مورد واژه «برزخ» نیز باید گفت: آنچه که بین دو چیز قرار می‌گیرد را برزخ می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ذیل واژه «برزخ»); و به فاصلهٔ بین دنیا و آخرت قبل از حشر و یا به‌عبارت دیگر، از زمان مرگ تا برانگیخته‌شدن مردگان را برزخ می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ذیل واژه «برزخ»). در نتیجه «برزخ» به حد فاصل بین مرگ تا قیامت کبری گفته می‌شود که در اصطلاح فلاسفه از آن به عالم مثال تعبیر می‌شود، که بین دو عالم ماده و عالم عقل قرار داشته و از نوعی تجرد غیرتام برخوردار است.

عالم قبر همان عالم برزخ است؛ چنان‌که در برخی آیات بدان اشاره شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَائِهِمُ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون: ۹۹-۱۰۰). منظور از برزخ در این آیه همان عالم قبر یا عالم مثال است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۱۹۸-۱۹۹).

۲. عالم قبر و برزخ در نگاه حسن حنفی

از نگاه حسن حنفی عالم قبر و برزخ یکی است؛ قبر و برزخ به زندگی واسط بین مرگ و زندگی دوم اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر قبر و برزخ همان استمرار حیات دنیوی در قبر است؛ قبل از اینکه انسان دوباره (قبل از قیامت و نفخ صور اول) بمیرد (حنفی، ۲۰۲۰، ج ۴، ص ۳۷۱).

باید توجه داشت که از دیدگاه حسن حنفی عالم قبر و برزخ وجه عقلائی و علمی ندارد؛ وی می‌گوید شاید تصور عالم قبر و برزخ و پرسش و پاسخ و پاداش و جزا به خاطر میل انسان به غلبه بر مرگ و ادامه زندگی باشد؛ زیرا این شکاف (عالم قبر و برزخ) بین مرگ و رستاخیز، بین فنا و جاودانگی غیرمنطقی است (همان، ص ۳۷۲).

۳. اشکالات حسن حنفی بر عالم قبر و برزخ

از نظر حسن حنفی عالم قبر یا برزخ با کیفیتی که در آیات و روایات بدان اشاره شده، اگر به همان معنای ظاهری‌شان حمل شوند، با چالش‌های بسیاری روبه‌روست. وی در این زمینه با فرض پذیرش سؤال و جواب و عذاب قبر، پرسش‌ها و چالش‌های بسیاری را در مورد قبر و عالم برزخ مطرح کرده است که ما در ادامه، آنها را در یک دسته‌بندی جدید ارائه داده و به نقد و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۳-۱. چالش‌های مربوط به پرسش و پاسخ در قبر

به نظر حسن حنفی، خود روند پرسش و پاسخ دارای مشکلاتی است که در ادامه به تشریح آن خواهیم پرداخت.

- چالش‌های مطرح‌شده با فرض مادی بودن پرسش و پاسخ

اگر پرسش و پاسخ مادی است، مشکلاتی مطرح می‌گردد؛ زیرا این مستلزم آن است که حیات به جسد مادی برگشته و روح مجدداً به بدن برگردد. برای پرسش و پاسخ مادی در قبر چند رکن وجود دارد:

۱. پرسش‌شونده (بدن)؛ ۲. مکان پرسش (قبر)؛ ۳. عاملان پرسش (فرشتگان پرسش‌گر)؛ ۴. خود عملیات پرسش و پاسخ، که هر کدام با چالش‌هایی مواجه هستند، که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

- چالش‌های مربوط به پرسش‌شونده (بدن)

حسن حنفی می‌گوید اگر بدنی نباشد؛ مثلاً سوخته باشد؛ یا توسط

دردگان خورده شده باشد؛ یا فقط جزئی از بدن باقی مانده باشد؛ و...؛ روح چگونه می‌خواهد به بدن برگردد؟ برفرض برگشت روح به بدن، اگر از بدن مثلاً فقط قلب مانده باشد، چگونه می‌خواهد پاسخ فرشته‌های پرسش‌گر را بدهد؟ اگر بدن‌ها و استخوان‌های مختلف درهم آمیخته شده باشند، چگونه مورد پرسش واقع خواهند شد؟ (همان، ص ۳۸۵)

- چالش‌های مربوط به مکان پرسش (قبر)

اگر شخصی قبری نداشت، این سؤال و جواب کجا واقع می‌شود؟ ارواح قبور را اشتباه نمی‌کنند؟ (همان)

- چالش‌های مربوط به عاملان پرسش (فرشتگان پرسش‌گر)

فرشته‌های پرسش‌گر چگونه در قبری که فضای بسیار تنگی دارد، جای می‌گیرند؟ (همان، ص ۳۸۶) نکیر و منکر درواقع دو شخص یا دو فرشته نیستند؛ بلکه اینها اسامی هستند که به مرور دارای معانی مستقل شده‌اند؛ سپس این معانی تبدیل به اشیایی شده و سپس تشخیص پیدا کرده و حیات یافته و تبدیل به شخصیت‌های زنده شده‌اند (همان، ص ۳۸۹-۳۹۰).

نقد و بررسی

برای نقد و بررسی این بخش از اظهارات حسن حنفی ابتدا باید ببینیم آیا اصلاً پرسش و پاسخ در قبر، مادی است که محذورات فوق پیش بیاید یا خیر؟ برای اینکه بدانیم پرسش و پاسخ مادی است یا خیر، باید ببینیم محل پرسش و پاسخ کجاست؟ اینکه گفته می‌شود انسان در قبر مورد سؤال و جواب واقع می‌شود؛ منظور از قبر چیست و کجاست؟ در مورد قبر دو تفسیر وجود دارد:

الف. قبر مادی

برخی متکلمان (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۲۴؛ جرجانی، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۳۱۸) و مفسران (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۶۰؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۴) با استناد به ظواهر برخی آیات (توبه: ۸۴؛ حج: ۷؛ بقره: ۲۸) و روایات، محل پرسش و پاسخ (قبر) را به همین قبر مادی و خاکی تفسیر کرده‌اند. به اعتقاد آنها انسان مرده، بعد از مرگ در قبر خاکی به‌طور موقت زنده شده و مورد بازخواست از اعمال خود واقع خواهند شد.

ب. قبر مثالی

برخی صاحب‌نظران معتقدند که روح بعد از مرگ در قالبی مثالی مشابه بدن مادی قرار گرفته و مجدداً به بدن خاکی در قبر مادی بر نمی‌گردد. مستند ایشان آیه «رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ» (غافر: ۱۱) است. استدلال به این آیه این‌گونه است که در روز قیامت گنهکاران در محضر الهی می‌گویند: خدایا تو ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی. حال اگر به گفته قائلان به قول اول، بدن مادی در قبر زنده شود، پس باید انسان مُردن و زنده شدن را سه بار تجربه کند؛ یعنی یک‌بار هنگام تولد زنده شود؛ بار دوم در قبر زنده شود؛ و بار سوم در قیامت بعد از نفخ صور دوم زنده گردد؛ و این با آیه بالا ناسازگار است. اما در فرض دوم، انسان یک‌بار در هنگام تولد زنده می‌شود و بار دوم در عالم قیامت با نفخ صور دوم زنده خواهد شد. پس باید گفت پرسش و پاسخ در قبر و با بدن مثالی خواهد بود؛ نه اینکه بدن مادی در قبر مادی زنده شود.

از دیدگاه حکماء اشراقی و حکمت متعالیه نیز چنین برمی‌آید که با وقوع مرگ، روح انسان از بدن مادی جدا شده و در عالم برزخ زندگی خود را تا قیامت ادامه می‌دهد و مقصود از قبر همین گودال مادی نیست؛ بلکه جایگاه انسان در عالم برزخ است (سلیمانی بهبهانی و رضوی، ۱۳۹۸، ج ۶ ص ۱۶۶-۱۶۸).

با توجه به جمع‌بندی همه ادله، از جمله ادله‌ای که عالم مثال را اثبات می‌کند و محذوراتی که در دیدگاه اول از منظر عقل و نقل پیش می‌آید، در نقد و بررسی انتهای مقاله، اثبات خواهیم کرد که مقصود از عالم قبر، قبر مادی نیست. بنابراین به نظر، دیدگاه دوم صحیح بوده و منظور از قبر، قبر مادی نیست که سوالات فوق مطرح شود. سؤال از چگونگی پرسش و پاسخ در صورت فقدان بدن مادی، یا آسیب‌دیدگی بدن، یا سؤال از چگونگی جا شدن فرشتگان در قبر و... نیز بی‌معناست. از مجموعه آیات و روایات استفاده می‌شود که پرسش و پاسخ مادی نیست؛ بلکه روحی است؛ یعنی این روح انسان است که بعد از مرگ در بدن مثالی جای گرفته و مورد سؤال و جواب قرار می‌گیرد.

در مورد نکیر و منکر نیز باید گفت که در بسیاری از روایات در کتب روایی شیعه (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۳۵) و اهل سنت (ر.ک: بخاری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۳۵) به وجود خارجی داشتن این دو فرشته پرسش‌گر و انجام عمل پرسش و پاسخ اشاره شده است؛ و این‌گونه نیست که صرفاً زاینده ذهن انسان باشد. برای

مثال، یک نمونه از کتب روایی شیعه و یک روایت از کتب اهل سنت بیان می‌کنیم. سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَمَّا يَلْقَى صَاحِبُ الْقَبْرِ فَقَالَ إِنَّ مَلَكَ يُقَالُ لَهُمَا مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ يَأْتِيَانِ صَاحِبَ الْقَبْرِ فَيَسْأَلَانِهِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶ ص ۲۲۱). در این روایت امام به صراحت از وجود این دو فرشته سخن می‌گوید. یا در صحیح بخاری - که در نزد خود اهل سنت از معتبرترین کتب است - حدیثی از انس بن مالک از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده مبنی بر اینکه: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ وَ تَوَلَّى عَنْهُ أَصْحَابُهُ، وَ إِنَّهُ لَيَسْمَعُ قَرْعَ نِعَالِهِمْ، أَتَاهُ مَلَكَانِ فَيَقْعِدَانِهِ فَيَقُولَانِ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ لِمَحَمَّدٍ...» (بخاری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۲۱). هرچند در این روایت نامی از نکیر و منکر وارد نشده؛ اما به وضوح از وجود دو فرشته و انجام پرسش و پاسخ در قبر و پاداش و جزا حکایت دارد.

- چالش‌های مطرح‌شده با فرض غیرمادی بودن پرسش و پاسخ به عقیده حسن حنفی اگر حیات در قبر روحانی بوده و پرسش و پاسخ عذاب روحی باشد نه جسمی؛ باز اشکالاتی به وجود می‌آید و آن اینکه:

الف. اصلاً وقتی پرسش و پاسخ روحی باشد، دیگر هدف از برگشت روح به قبر چیست؟ درحالی‌که همین پرسش و پاسخ می‌تواند در خارج از قبر صورت گیرد (همان، ص ۳۷۵).

ب. آیا ارواح بعد از مرگ مکانی دارند؟ محل استقرار ارواح قبل از اینکه به قبر وارد شوند، کجاست؟ (حنفی، ۲۰۲۰، ج ۴، ص ۳۷۵) مکان ارواح مؤمنان و کفار تفاوت می‌کند؟ (همان، ص ۳۷۶-۳۷۵)

ج. چگونه افرادی که در ایام و ازمنه خاصی می‌میرند، از این ابتلاء در امان می‌مانند؛ درحالی‌که اجل آنها به دست خودشان نیست و از قبل در لوح محفوظ ثبت است؟ (همان، ص ۳۸۳)

نقد و بررسی

الف. در مورد سؤال نخست حسن حنفی باید گفت: اولاً در فرض روحانی بودن پرسش و پاسخ، سؤال و جواب در قبر مادی صورت نمی‌گیرد که حسن حنفی بخواهد هدف از برگشت روح به قبر مادی برای پرسش و پاسخ را مورد سؤال قرار بدهد؛ ثانیاً توجه روح به قبر مادی خود، نه برای پرسش و پاسخ، بلکه به خاطر وجود علقه‌ای است که بین روح و بدن مادی در قبر که سالیان متمادی به تدبیر آن می‌پرداخته، می‌باشد.

لغزش‌های کوچکی نیز داشته باشد، مشمول این عنایت می‌شوند، نه هر فردی. نکته دیگر اینکه شاید خود «مرگ در زمان خاص» در اختیار انسان نباشد؛ اما انسان با رفتارهای اختیاری خود این نوع مرگ را نصیب خود کرده یا از خود دور کند. یعنی ممکن است شخص به‌خاطر اعمال شایسته‌ای که در طول زندگی انجام داده، خداوند متعال مرگش را در زمان و مکانی خاص که مورد عنایت خداوند است، مقرر فرماید و گرچه مرگ در اختیار انسان نیست؛ اما مقدماتش اختیاری است؛ در نتیجه اشکال ایشان وارد نخواهد بود.

- چالش‌های عام

یعنی چالش‌هایی که در مورد پرسش و پاسخ در عالم قبر مطرح شده است و فرقی نمی‌کند که این پرسش و پاسخ مادی باشد یا غیرمادی.

- چالش در نحوه پرسش و پاسخ

الف. انسان‌ها به چه زبانی سؤال خواهند شد؟ از غیر عرب‌ها چگونه خواهند پرسید؟ با هرکس به زبان خودش خواهد بود؟ (حنفی، ۲۰۲۰، ج ۴، ص ۳۸۵) آیا این پرسش و پاسخ قابل اعتراض هست یا خیر؟ آیا شاهدانی بر این واقعه وجود خواهند داشت؟

ب. اگر انسان از ترس پاسخ سؤالات را غلط بدهد، چه خواهد شد؟ اگر مؤمن گنهکار پاسخ‌ها را صحیح و کافر نیکوکار پاسخ‌ها را غلط بدهد چگونه عمل خواهد شد؟ (همان، ص ۳۷۴)

ج. اصلاً وقتی فرصت عمر پایان یافته و تکلیفی نیست و همه چیز مسجل شده است و عملکرد هر فردی بهترین پاسخ است به سؤالات این فرشتگان، پس هدف از این پرسش و پاسخ چیست؟ (همان، ص ۳۷۴)

نقد و بررسی

سؤالات اولیه حسن حنفی پیرامون نحوه پرسش و پاسخ نشئت گرفته از دیدگاه سطحی ایشان به این واقعه عظیم است. این‌گونه نیست که کافر بتواند صحیح پاسخ دهد یا مؤمن به اشتباه افتاده و غلط پاسخ دهد؛ زیرا پاسخ هرکس نشئت گرفته از عمق وجود او و بسته به ملکاتی است که در دنیا در نفس هر فرد شکل گرفته است. این‌گونه نیست که مثلاً انسان بتواند در این دنیا هرچه خواست انجام دهد و بعد در برزخ به طرقی از این امتحان پیروز بیرون آمده و رستگار شود؛ زیرا پاسخ هر شخصی برخواسته از عمق جان و بیانگر

ب. سؤال دیگر حسن حنفی از مکان ارواح است؛ در پاسخ باید بگوییم که بنا بر ادله عقلی (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ص ۳۵۸-۳۵۶) روح مجرد است و ویژگی‌های موجود مادی، مانند مکان‌مند بودن را ندارد. در نتیجه سؤال از مکان برای موجود مجرد بی‌معناست. ضمن اینکه سؤال از تفاوت مکان مؤمنان و کفار نیز به دلیل مذکور صحیح نیست. بلکه باید این‌گونه پرسید که آیا جایگاه ارواح مؤمنان و کفار در برزخ متفاوت است؟ که در پاسخ باید بگوییم بله، ارواح مؤمنان در جایگاهی قرار می‌گیرند که مورد عنایت و رحمت خداوند هستند و کفار در جایگاهی هستند که مورد عذاب واقع می‌شوند.

ج. حسن حنفی در سؤال بعدی می‌گوید با توجه به اینکه مرگ هرکس در اختیار او نیست، پس اینکه کسی به‌خاطر مردن در زمان خاصی - مثلاً شب و روز جمعه - از فشار قبر استثناء شود، صحیح نیست. در پاسخ باید بگوییم این یک حقیقت است و مطابق بسیاری از روایات مردن در برخی زمان‌ها فشار قبر را از افراد برمی‌دارد. به‌عنوان نمونه، رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَ الْقَبْرِ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۳۸) یا امام صادق ﷺ می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ مَا بَيْنَ زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ الْخَمِيسِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ آمِنَ مِنْ ضَغْطَةِ الْقَبْرِ» (همان).

اما باید در ابتدا، این روایات را در سنجه عقل و وحی قرار داد. از طرفی عقل می‌گوید استثناء کردن افراد از فشار قبر، آن‌هم بی‌ضابطه و به‌خاطر امری غیراختیاری (مردن در زمانی خاص)، با عدل الهی ناسازگار است. با مراجعه به قرآن کریم هم می‌بینیم خداوند متعال می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر: ۳۸)؛ یا در جای دیگر نیز می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله: ۸)؛ پس نباید این روایات را به‌تنهایی دید؛ بلکه باید آنها را در کنار سایر ادله معنا کرد. با مراجعه به روایات دیگر می‌بینیم که این امر چندان هم بی‌ضابطه نیست. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ عَارِفًا بِحَقِّنَا عَتَقَ مِنَ النَّارِ وَ كُتِبَ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۰)؛ هر کس در روز جمعه بمیرد و اهل بیت ﷺ را بشناسد و حق آنها را بداند، خداوند او را از آتش جهنم و عذاب قبر دور می‌کند.

پس معلوم می‌شود که صرف مردن در زمان خاصی فشار قبر را دفع نمی‌کند؛ بلکه باید شرایط دیگری نیز فراهم باشد. پس استثناء شدن برخی افراد از عذاب قبر ضابطه خاص خود را دارد و انسان مؤمن و متقی یا به قول روایت فوق (عَارِفًا بِحَقِّنَا) که اگر احیاناً

عقاید حقیقی وی و بازتاب عقایدی است که در دنیا بدان معتقد بوده و بر مبنای آن رفتار کرده است.

به عبارت دیگر، پاسخی که انسان در برزخ به سؤالات می‌دهد ظهور برزخی پاسخی است که در زندگی دنیوی در باطن امر وجود داشته است. اگر انسان در دنیا اهل یقین باشد، در برزخ نیز جواب صحیح خواهد داد و اگر در دنیا اهل شک و تردید باشد، در برزخ نیز سؤالات را با شک و تردید و غلط پاسخ خواهد داد؛ چرا که باطن هر انسانی با ورود به برزخ آشکار می‌شود. پرسش دو فرشته موکل در برزخ نیز ظهور پرسشی است که در باطن انسان در حیات دنیوی وجود دارد (ر.ک: شجاعی، ۱۳۸۸ الف، ص ۹۲-۹۳).

این حقیقت با مراجعه به روایات معصومان علیهم‌السلام روشن می‌شود. به‌عنوان نمونه: «سَلِمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَمَّا يَلْقَى صَاحِبَ الْقَبْرِ؟ فَقَالَ: إِنْ مَلَكَ يَنْقُلُ لَهْمًا: مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ، يَأْتِيَانِ صَاحِبَ الْقَبْرِ فَيَسْأَلَانِهِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَيَقُولَانِ: مَا تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ الَّذِي خَرَجَ فِيكَ؟ فَيَقُولُ: مَنْ هُوَ؟ فَيَقُولَانِ: الَّذِي كَانَ يَقُولُ: إِنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ، أَحَقُّ ذَلِكَ؟ قَالَ: فَإِذَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الشُّكِّ، قَالَ: مَا أَذْرِي، قَدْ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ، فَلَسْتُ أَذْرِي أَحَقُّ ذَلِكَ؟ أَمْ كَذِبٌ؟ فَيَضْرِبَانِهِ ضَرْبَةً يَسْمَعُهَا أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ إِلَّا الْمُشْرِكِينَ. وَ إِذَا كَانَ مُتَيَقِّنًا فَإِنَّهُ لَا يَفْرَعُ، فَيَقُولُ: أَعَنْ رَسُولَ اللَّهِ تَسْأَلَانِي؟ فَيَقُولَانِ: أَتَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ؟ فَيَقُولُ: أَشْهَدُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ حَقًّا، جَاءَ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ. قَالَ: فَيَرَى مَفْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ يُفْسَحُ لَهُ عَنِ قَبْرِهِ، ثُمَّ يَقُولَانِ لَهُ: نَمْ نَوْمَةً لَيْسَ فِيهَا حُلْمٌ، فِي أَطْيَبِ مَا يَكُونُ النَّائِمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶ ص ۲۲۱)؛ سلیمان بن خالد گفت: از امام صادق علیه السلام درباره آنچه می‌ت (شب اول قبر) با آن مواجه می‌شود، سؤال کردم؛ فرمود: دو فرشته که به آنها منکر و نکیر گفته می‌شود، بر صاحب قبر وارد می‌شوند و از او درباره رسول خدا صلى الله عليه وآله سؤال می‌کنند و می‌گویند: درباره این مردی که در بین شما خروج کرده است، چه می‌گویی؟ پس خواهد گفت: آن مرد کیست؟ گویند: آن کسی بود که می‌گفت: رسول خداست؛ آیا او بر حق بود؟ پس اگر اهل شک باشد، گوید: نمی‌دانم؛ شنیدم که مردم چنان می‌گفتند؛ ولی من نمی‌دانم که درست بود و یا دروغ؛ پس ضربتی بر او می‌زنند که همه اهل آسمان‌ها و زمین، بجز مشرکان، بشنوند. اما اگر اهل یقین باشد، فزع و ناراحتی نکند و گوید: آیا از رسول خدا می‌پرسید؟ می‌گویند: آیا می‌دانی که او رسول خدا بود؟ پاسخ دهد: من شهادت می‌دهم که او

بهراستی رسول خدا بود، که برای هدایت و ترویج دین آمد. حضرت فرمود: پس از آن، جایگاه خود را در بهشت می‌بیند و قبرش توسعه پیدا می‌کند. سپس به او گویند: بخواب در عالی‌ترین خواب؛ خوابی که در آن بیداری نباشد. همان‌طور که در روایت مشخص است، امام می‌فرماید: اگر شخص در دنیا اهل شک باشد «فَإِذَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الشُّكِّ»، یا اهل یقین باشد «وَ إِذَا كَانَ مُتَيَقِّنًا»، مطابق با آن پاسخ فرشته‌ها را خواهد داد. پس اشکال حسن حنفی در مورد نحوه پرسش و پاسخ و امکان غلط پاسخ دادن مؤمن و یا سؤال از امکان اعتراض، بی‌معناست؛ زیرا هر کس آنچه را می‌گوید در واقع بازتاب حقیقت وجودی خودش است و اعتراض معنایی نخواهد داشت.

اشکال بعدی که حسن حنفی مطرح می‌کند این است که هر کس بر طبق پرونده عمل خود، معلوم است که مؤمن است یا کافر؛ متقی است یا فاجر؛ پس هدف از پرسش و پاسخ در قبر چیست؟ پاسخ این است که اولاً در این صورت باید بگوییم جمع شدن افراد در صحرای محشر برای حساب‌رسی نیز با اینکه هم خداوند متعال و هم بنده‌ها می‌دانند چه کرده‌اند، بی‌معناست؛ ثانیاً پرسش و پاسخ، خود نوعی اقرار است و فرد با نوع پاسخ به سؤالات، به باورهای راسخ خود اقرار می‌کند و اقرار گرفتن، خود مرحله‌ای در جهت اتمام حجت بر بندگان است.

ثالثاً از روایات (همان، ص ۲۲۵) این گونه به دست می‌آید که خود پرسش در قبر و نوع پاسخ انسان به این پرسش‌ها یک عمل صوری نیست؛ بلکه خود موضوعیت دارد.

«عقاید حقه تثبیت‌شده در مقام عمل و نیز عقاید باطله تثبیت‌شده در مقام عمل، و به‌طور کلی عقاید ثابت، چه حق و چه باطل، در نظام برزخی نقش اساسی دارد و تعیین‌کننده اصلی وضع و شرایط برزخی هر انسان؛ و نیز نعمت و عذاب و طریق و مسیری که در برابر انسان قرار می‌گیرد، همان عقاید تثبیت‌شده انسان است و این امر به‌وسیله سؤال در برزخ و جوابی که داده می‌شود، روشن می‌گردد و بدین لحاظ می‌توان گفت که سؤال در برزخ نقش اساسی و تعیین‌کننده دارد» (شجاعی، ۱۳۸۸ ب، ص ۲۶۸-۲۶۹).

رابعاً اگر انسان بداند که بلافاصله بعد از مرگ و در بدو ورود به برزخ مورد سؤال و جواب و بازخواست واقع می‌شود، خود اثر تربیتی مهمی در زندگی دنیوی و کنترل انسان دارد (ر.ک: قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۷-۲۷۸).

- چالش پرسش و پاسخ و عدل و رحمت الهی

حسن حنفی در برخی عبارات، پرسش و پاسخ در عالم قبر را معارض با عدل و رحمت الهی می‌داند و می‌گوید:

الف. سؤالات مؤمنین آسان و سؤالات کفار سخت است؛ اینکه شرایط دو شخص مؤمن و کافر از لحاظ نحوه پرسش و کمک کردن پرسش‌گر و مدت زمان داده شده برای پاسخ، تفاوت داشته باشد، با اصول اولیه عدالت ناسازگار است. اینکه در پرسش و پاسخ به مؤمن کمک شود و کافر به اشتباه انداخته شده و سپس عذاب شود یا از مؤمن یک فرشته سؤال کند و از کافر دو فرشته و... خود غش در امتحان و تدلیس است و با رحمت الهی ناسازگار است (حنفی، ۲۰۲۰، ج ۴، ص ۳۸۱).

شرایط پرسش و پاسخ - آنگونه که مقلری در بالا تشریح شد - با عدل منافات دارد در نتیجه تناقض عقل و نقل پیش می‌آید و باید تقلبات را طوری تأویل برد که با عقل سازگار شود و امور معاد مطابق با اصل عدل، فهم شود (همان).

نقد و بررسی

اینکه بگوییم فرشتگان الهی بین بندگان در نوع سؤالات یا نحوه پرسش و پاسخ تفاوت قائل می‌شوند و حتی در مواردی کفار را به اشتباه می‌اندازند و... امری است که قطعاً با عدل الهی که در جای خود با ادله عقلی و نقلی متقن اثبات شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۲)، ناسازگار است. البته در روایات در مورد نحوه ظاهر شدن ملک‌الموت بر مؤمن و کافر و قبض روحشان تفاوت‌هایی ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۳۵). همچنین رفتار نکیر و منکر بین افراد تفاوت‌هایی دارد. در مورد تفاوت رفتار نکیر و منکر بین مؤمن و کافر و متقی و فاجر در قبل و بعد از پرسش و پاسخ، باید گفت که آن ناشی از رفتار انسان در دنیا و نوع پاسخ‌وی به سؤالات این دو فرشته و مأمور الهی در عالم قبر و برزخ است و قطعاً بی‌ضابطه نیست.

۳-۲. چالش‌های مربوط به پاداش و جزا در قبر

در این بخش به چالش‌های حسن حنفی در مورد پاداش و جزا در قبر می‌پردازیم.

- چالش در اصل وجود پاداش و جزا در قبر

حنفی اصل وجود پاداش و جزا در قبر را رد می‌کند، که در ادامه به ادله ایشان بر این ادعا اشاره می‌گردد.

- چالش به خاطر عدم تطابق با حس و عقل

حسن حنفی پاداش و جزا در قبر را به خاطر عدم تطابق با حس و عقل نفی می‌کند و می‌گوید: از مشکلات عمده، عدم تطابق این سخنان (عذاب قبر و تفصیلات آن) با عقل و حس است؛ و چنین گفته‌هایی به انسان یقین نظری و عملی نمی‌دهد. طبق عقل، میت که زنده نیست پس عذابی هم ندارد (حنفی، ۲۰۲۰، ج ۴، ص ۳۸۸-۳۸۹). اگر عذاب قبر را به‌عنوان یک واقعه عینی (که واقعاً در عالم خارج رخ می‌دهد) در نظر بگیریم، خود باعث رد وجود عذاب قبر می‌شود؛ زیرا اگر اثبات عذاب قبر متکی بر روایات و ادله نقلی باشد، از طرف دیگر انکار عذاب قبر نیز متکی بر دلیل عقلی خواهد بود؛ و چون دلیل عقلی مبنا و اساس دلیل نقلی است، حجیت ادله نقلی دال بر وجود عذاب قبر، رد می‌شود. از طرفی دیگر هیچ‌کس عذاب قبر و آثارش را بر بدن میت زمانی که قبر شکافته شده، ندیده و صدای شکنجه را نیز شنیده است (پس عذاب قبری نیست؛ چون آثار طبیعی آن وجود ندارد) (همان، ص ۴۰۱-۴۰۲).

نقد و بررسی

باید توجه کرد که منظور از عقل در نگاه حنفی همه ابزارهای معرفتی از جمله حس، تجربه، ذوق و وجدان است (همان، ج ۱، ص ۳۶۶؛ آقاجانی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۷). این سخنان حسن حنفی برگرفته از مبانی معرفت‌شناختی وی است. یکی از مبانی فکری ایشان عقل‌گرایی حداکثری است. ایشان معارف وحیانی را با سنجۀ عقل می‌سنجد و عقل را در عصر حاضر بدیل وحی و نبوت دانسته و بشر امروزی را به دلیل تکامل عقلی وی، بی‌نیاز از وحی می‌داند. ایشان سمعیات (نبوت، معاد، امامت و...) را اموری ظنی می‌داند (حنفی، ۱۳۷۵) که باید به امور یقینی یعنی عقل تکیه کنند (حنفی، ۲۰۲۰، ج ۳، ص ۳۳۹). البته این دیدگاه در جای خود نقد شده است (ر.ک: حنفی، ۱۳۷۵). در این بخش از سخنان وی نیز این مسئله قابل مشاهده است، و وی پاداش و جزا را چون غیرعقلانی می‌داند، رد می‌کند. در پاسخ باید گفت:

اولاً اینکه پاداش و جزا در قبر، قابل اثبات عقلی و حسی نیستند، پس وجود ندارند؛ اساساً سخنی نادرست است؛ زیرا حواس مادی و عقل منهای وحی راهی به درک جزئیات عوالم بالاتر از ماده ندارند و خیلی از چیزها وجود دارند که با حس قابل درک نیستند، اما کسی نمی‌تواند منکرشان شود.

می‌فرماید: «ضَعَطَةُ الْقَبْرِ لِلْمُؤْمِنِ كَفَّارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضْيِيعِ النَّعْمِ» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۵۴۰)؛ یا/بویصیر می‌گوید: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: أَيْفَلْتُ مِنْ ضَعَطَةِ الْقَبْرِ أَحَدًا قَالَ فَقَالَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا مَا أَقْلَ مَنْ يُفْلِتُ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۳۶)؛ من به حضرت صادق ع عرض کردم: آیا کسی از فشار قبر رهایی پیدا می‌کند؟ حضرت فرمودند: پناه به خدا از فشار قبر؛ چقدر افرادی که از فشار قبر رهایی پیدا کنند کم هستند. با نگاه به این روایات و احادیث مشابه که حداقل می‌توان ادعای وجود تواتر معنوی در این روایات را کرد؛ خود گواه بر وجود عذاب قبر است.

اما نکته مهم اینکه همان‌طور که در متن حنفی هم مشهود است، ایشان وجود روایات اثبات‌کننده عذاب در قیامت را می‌پذیرد و ادله وجود عذاب مادی در قبر مادی را انکار می‌کند. وی می‌گوید: «والتواتر منه (احادیث) لا یعنی النار فيه عذاب القبر في الدنيا في حياة القبر، بل في الآخرة...» (حنفی، ۲۰۲۰، ج ۴، ص ۳۹۳). پس اگر ما عالم قبر را همان عالم برزخ در نظر بگیریم، اشکال حنفی وارد نخواهد بود؛ زیرا فرض حسن حنفی بر مادی بودن قبر و عذاب قبر است.

- چالش در نحوه پاداش و جزا در قبر

حنفی در این بخش می‌گوید: اگر عذاب قبر مادی است، دو طرف قبر چطور حرکت می‌کند و به هم نزدیک می‌شوند؟ (همان، ص ۳۹۶) وقتی بدن‌ها در قبر متلاشی شده و یا در شکم حیوانات و... باشد، عذاب کجا واقع می‌شود؟ (همان، ص ۴۰۱-۴۰۲) اگر انسان از شدت فشار بر استخوان یا گوشت یا گاز گرفتن (حیوانات موزی در قبر) یا ضرب و شتم بمیرد، چه خواهد شد؟ آیا می‌میرد و زنده می‌شود و دوباره می‌میرد و اینچنین تا ابد تکرار می‌شود؟ زمین چگونه بین مؤمن و کافر فرق می‌گذارد و اولی را مانند مادری مهربان در آغوش گرفته؛ اما بر دومی به شدت سخت می‌گیرد؟ (همان، ص ۳۹۶)

نقد و بررسی

گفته شد که مقصود از قبر جایگاه انسان در عالم برزخ است و بعد از مرگ، روح از بدن مادی فارغ گشته و در بدنی مثالی قرار می‌گیرد و این بدن مثالی است که معذب یا منتعم می‌گردد. پس برای فشار قبر، وجود بدن مادی موضوعیت ندارد که حال سؤال شود که اگر مثلاً بدن مادی به دلایلی از بین رفت یا دفن نشد، فشار قبر چطور خواهد بود.

ثانیاً همان‌طور که قبلاً گفتیم در مورد حقیقت قبر و فشار قبر دو دیدگاه وجود دارد و ما قول دوم را اتخاذ کردیم و گفتیم منظور از قبر همین حفره خاکی دنیوی نیست؛ بلکه بعد از مرگ روح از کالبد مادی جدا شده و به عالم برزخ مراجعت می‌کند. منظور از قبر، جایگاه انسان در عالم برزخ است و پرسش و پاسخ و پاداش و جزا در عالم برزخ رخ می‌دهد نه در قبر مادی. به همین خاطر با حواس عادی نمی‌توان آن را درک کرد یا اثر آن را بر بدن مادی میت دید. البته با فرض غیرمادی بودن پاداش و جزا، قبر مادی نیز مورد توجه بوده و روح به‌طور کامل نسبت به بدن مادی و قبر دنیوی بی‌اعتنا نیست و علقه و ارتباطی بین قبر مادی و برزخی وجود دارد. به همین خاطر سفارش به دفن اموات در زمان‌ها و مکان‌های خاص موضوعیت می‌یابد (شجاعی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۳۴).

- چالش به خاطر غلط یا ناکافی بودن ادله قرآنی و روایی پاداش و جزا حسن حنفی می‌گوید: برخی تأویلات قرآنی ذکر شده برای اثبات عذاب قبر درست نیست؛ مثلاً تأویل عبارت «مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه: ۱۲۴) به عذاب قبر صحیح نیست و این عبارت به عذاب قبر اشاره ندارد (حنفی، ۲۰۲۰، ج ۴، ص ۳۹۳). در حقیقت همه اوصافی که برای عالم قبر و برزخ گفته شد، مستند به اخبار ضعیفی است که کتب اعتقادی متقدم بر آن اخبار اعتماد نکرده‌اند (همان، ص ۳۸۸). چیزی از این سخنان (عذاب قبر با تفصیلاتش) در قرآن نیامده و در احادیث صحیح نیز چنین تفصیلاتی به چشم نمی‌خورد و همه روایاتی است که نه تنها به حد تواتر بلکه حتی خبر واحد هم نیست (همان، ص ۳۸۸-۳۸۹). آنچه که از روایات متواتر برداشت می‌شود عذاب در آخرت است، نه در درون قبر در این دنیا (همان، ص ۳۹۳).

نقد و بررسی

باید توجه داشت که اولاً در مورد واژه قرآنی «مَعِيشَةً ضَنْكًا» اقوال مختلف است. برخی آن را دال بر عذاب قبر می‌دانند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۵۸۵). برخی دیگر نیز مراد از این واژه را همان سختی‌های دنیوی می‌دانند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۲۷۷). ثانیاً ادله صرفاً در همین آیه خلاصه نمی‌شود تا ما برای اثبات اصل پاداش و جزا در قبر نیازمند به آن باشیم؛ بلکه اصل پاداش و جزا در قبر را می‌توان توسط روایات متقن اثبات کرد. مثلاً پیامبر اکرم ع:

شَيْءٍ إِلَّا يَسْبَحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيمًا غَفُورًا» (اسراء: ۴۴)؛ یا در جای دیگر می‌فرماید: «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (صف: ۱). با توجه به این دست آیات باید گفت همه موجودات با توجه به مرتبه وجودی که دارند از مرتبه‌ای شعور و علم نیز بهره‌مندند.

چالش پاداش و جزا در قبر و عدل الهی

حسن حنفی پاداش و جزا در قبر را به‌خاطر مسائلی با عدل الهی در تعارض می‌بیند و می‌گوید:

الف. چطور برخی افراد نسبت به عذاب مستثنی می‌شوند؟ اینکه انبیاء و تعداد خاصی از افراد از این پرسش و پاسخ و عذاب مستثنا شوند با قانون استحقاق ناسازگار است (حنفی، ۲۰۲۰، ج ۴، ص ۳۹۶-۳۹۷). عذاب در روز جمعه یا در ماه رمضان برداشته می‌شود. اگر فردی در روز و شب جمعه یا در ماه رمضان بمیرد، فشار قبر ندارد؟ آیا این زمان‌ها از دیگر زمان‌ها متمایزند و بر دیگر زمان‌ها برتری دارند؟ (همان، ص ۳۹۸) اینکه عذاب از برخی افراد به‌خاطر صدقه و دعای شخص دیگری برداشته شود، با قانون استحقاق ناسازگار است (همان، ص ۴۰۰-۴۰۱).

نقد و بررسی

در نقد و بررسی چالش اول باید گفت:

اولاً خداوند متعال بر طبق روابط اجتماعی دنیوی پیش نمی‌رود که برخی را به بهانه‌های نفسانی بر دیگران ترجیح دهد؛ بلکه همه از یک قاعده پیروی می‌کنند و آن قانون عمل و عکس‌العمل است. همان‌طور که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزله: ۸)؛ یا در جای دیگر در مورد مجازات خطای احتمالی رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ» (حاقه: ۴۴-۴۷). در روایتی نیز امام باقر علیه السلام به این حقیقت اشاره فرموده است: «يَا جَابِرُ، بَلَغَ شَيْعَتِي عَنِّي السَّلَامُ، وَ أَعْلَمُهُمْ أَنَّهُ لَا قَرَابَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ (عَزَّ وَ جَلَّ)، وَ لَا يَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ لَهُ. يَا جَابِرُ، مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّنَا فَهُوَ وَبَيْنَنَا، وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ يَنْفَعُهُ حُبُّنَا» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۹۶)؛ ای جابر! سلام مرا به شیعیانم برسان و به آنها بگو که میان ما و خداوند عزوجل هیچ خویشاوندی نیست، و کسی مقرب خدا نشود جز با فرمانبرداری از او. ای جابر! هر کس خدا را فرمان برد

نکته دیگر اینکه از آنجاکه پیش‌فرض حسن حنفی مادی‌بودن عذاب قبر است، برای عذاب قبر نیز قوانین عالم ماده را مدنظر دارد و می‌گوید که چطور کسی که بر اثر فشار و عذاب مُرد یا بدنی که یک بار سوخت مجدداً زنده شده یا بازسازی می‌شود؟ در پاسخ باید بگوییم اینکه بدنی بسوزد و دوباره خداوند متعال بدن سوخته را بازسازی کند و مجدداً بسوزاند، امر محالی نیست و با توجه به قدرت لایتناهی الهی کاملاً امری ممکن است. ثانیاً گفتیم چون پرسش و پاسخ و عذاب قبر در عالم برزخ رخ می‌دهد، دیگر قوانین عالم ماده بر آن حکم‌فرما نیست و ممکن است بدن برزخی قابلیت مردن و دوباره زنده شدن و سوختن و دوباره بازسازی شدن را داشته باشد.

نکته پایانی در این بخش اینکه با توجه به نگاه مادی‌گرایانه‌ای که حسن حنفی داشته و سعی بر سنجش همه امور با حس و عقل خودبنیاد را دارد (حنفی، ۱۳۷۵)، زمین را فاقد شعور دانسته و منکر این است که زمین بتواند در عذاب و تنعم بین مؤمن و کافر فرق قائل شود. اما فارغ از اینکه عذاب قبر مادی نیست و این‌گونه نیست که دیواره‌های همین قبر مادی به‌هم نزدیک شده و موجب فشار قبر شود؛ اما نفی مطلق شعور از زمین، خود جای بسی تأمل دارد. در ادبیات الهی و از منظر اسلام، تمام موجودات دارای علم هستند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۳۸۱).

این یک ادعای بی‌دلیل و برداشت ظاهری از آیات و روایات نیست؛ بلکه فلاسفه نیز بر علم و شعور سایر موجودات حتی جمادات استدلال عقلی کرده‌اند. صدرالمتألهین می‌گوید: «وجود، حقیقت یگانه‌ای است که در همه موجودات با اختلاف مراتب جاری است. به‌همین صورت، صفات حقیقی آنکه همان علم و قدرت و اراده و حیات است، در همه موجودات جاری است. بنابراین همه موجودات، حتی جمادات، زنده، دانا و تسبیح‌گوی خداوند و عارف و شاهد وجود پروردگار و خلق خود هستند» (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱، ج ۶ ص ۱۱۷). وی با توجه به نظراتی که دارد مانند توجه به اصالت وجود، تشکیک مراتب وجود، ماهوی نبودن علم، مجرد بودن علم و مساوق بودن علم با وجود، این‌گونه استدلال می‌کند که چون وجود مساوق با علم است پس هر موجودی که بهره‌ای از وجود دارد به‌همان اندازه دارای علم و شعور است (قربانی و مشکاتی، ۱۳۹۳).

قرآن کریم نیز همه موجودات را دارای شعور دانسته و می‌فرماید: «سَبَّحَ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ إِنَّ مِنْ

مانند دو نمونه‌ای که در بالا ذکر شد، خداوند متعال عذاب قبر را از برخی افراد عادی برمی‌دارد و البته که این رفع عذاب قبر نیز بدون ملاک نیست و با عدالت و رحمت الهی سازگار است.

ثالثاً اگر خداوند متعال شخصی را بدون دلیل و با وجود استحقاق عذاب داشتن، عذاب نکند، با عدل الهی ناسازگار است. اما اگر افرادی مانند انبیاء و اهل بیت علیهم‌السلام - که دارای عصمت‌اند - و برخی از اولیای پرهیزگار الهی که از آلودگی مبرا هستند، از عذاب مستثنا شوند، با هیچ دلیل عقلی و نقلی منافات ندارد؛ بلکه اگر این‌گونه افراد از عذاب مستثنا نشوند، خود عین ظلم بوده و به تعبیر حسن حنفی مغایر با قانون استحقاقی است که وی ادعا می‌کند.

درباره سؤال بعدی ایشان باید گفت که اولاً اینکه خداوند متعال برخی زمان‌ها را بر برخی دیگر برتری بدهد، با هیچ قاعده عقلی منافات ندارد و ادله نقلی بسیاری بر شرافت برخی زمان‌ها بر برخی دیگر وجود دارد. مانند فضیلت شب مبعث، شب قدر، عید فطر، عید قربان، عید غدیر و روز جمعه. قرآن کریم خود شب قدر را برتر از هزار ماه عنوان می‌کند (قدر: ۳)؛ پس این مسئله مشکلی ندارد. ثانیاً اینکه خداوند متعال افراد را در یک زمان‌های خاص بیشتر مورد الطاف خود قرار دهد، چه مشکلی دارد؟! در روایتی امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ كُتِبَ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَمَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أُعْتِقَ مِنَ النَّارِ وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه‌السلام بَلَّغْنِي أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ رُفِعَ عَنْهُ عَذَابُ الْقَبْرِ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۰). پس شرافت برخی زمان‌ها مشکل عقلی و نقلی خاصی ندارد و دلیلی بر انکار آن وجود ندارد. فقط شاید حسن حنفی بگوید که مرگ در یک زمان خاص اختیار نیست؛ پس اینکه خدا عده‌ای را در یک زمان خاص بمیراند و شامل رحمت خاص خود گرداند و مابقی افراد را محروم کند با عدل و رحمت الهی ناسازگار است؛ که پاسخ آن در بخش «چالش پرسش و پاسخ و عدل و رحمت الهی» گذشت.

- چالش پاداش و جزا در قبر به خاطر عدم کاربرد آن

حسن حنفی می‌گوید همه تفصیلات ذکرشده در مورد پاداش و جزا در قبر در نوع رفتار عملی و توجیه زندگی انسان‌ها اهمیتی ندارند؛ و اموری هستند که مبتلابه نبوده و مصالح انسان‌ها در گرو آن نمی‌باشد (حنفی، ۲۰۲۰، ج ۴، ص ۳۸۹). ممکن است فایده اثبات عذاب قبر کنترل و بازداشتن انسان‌ها از کارهای بد و تحریک به‌سوی کارهای

و ما را دوست بدارد، همو دوست ماست، و هرکس خدا را نافرمانی کند محبت ما سودش نرساند. پس احتمال اینکه افرادی بدون ضابطه از عذاب مستثنا شوند، منتفی است. ثانیاً آن‌گونه که در ادامه ذکر خواهد شد، طبق روایات، عذاب و فشار قبر برای همه وجود دارد؛ اما مقصود این نیست که حتی معصومان نیز عذاب می‌شوند؛ بلکه عذاب قبر برای واجدین شرایطش خواهد بود و معصومان و افرادی که در دنیا واقعاً عملکرد صحیحی داشته‌اند تخصصاً خارج از شمول عذاب و فشار قبر هستند. همان‌طور که برخی اندیشمندان می‌فرمایند: «سختی‌ها و فشار و وحشت اول قبر یا برزخ در خصوص همه مؤمنین و اهل هدایت با اختلاف مراتب وجود دارد و تنها ارباب معنا و مهذبین و اهل انقطاع از دنیا و... مستثنا هستند. انس و الفت با عوالم بالاتر و در اصل انس و الفت با حضرت حق است که موجب خواهد شد این اشخاص به مجرد انتقال از دنیا با بهجت و سرور خاص به نظامی که با تمام وجود مشتاق آن بوده و به سوی آن کشیده می‌شدند، وارد گردند» (شجاعی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۵).

و این منافاتی با عدل و رحمت الهی ندارد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد این افراد تخصصاً از شمول عذاب قبر خارج اند. روایات نیز به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ در برخی روایات عذاب قبر برای مؤمن نفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۰)؛ برخی دیگر نیز دال بر همگانی بودن عذاب قبر هستند. ابویصیر می‌گوید: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام أَيُقَالُ مِنَ ضَغْطَةِ الْقَبْرِ أَحَدٌ قَالَ فَقَالَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْهَا مَا أَقَلَّ مَنْ يُقَالُ...» (همان، ج ۳، ص ۲۳۶)؛ به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: آیا کسی از فشار قبر رهایی پیدا می‌کند؟ حضرت فرمودند: پناه به خدا از فشار قبر؛ چقدر افرادی که از فشار قبر رهایی پیدا کنند، کم هستند. یعنی عموم افراد غیر از برخی افراد خاص فشار قبر دارند. در برخی روایات نیز پاداش برخی اعمال را رفع عذاب ذکر می‌کند. مثلاً امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ النَّسَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ أَوْ مِنْ مَنْ ضَغْطَةَ الْقَبْرِ» (صدوق، ۱۴۰۶، ص ۱۰۵)؛ یا امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ حَجَّ أَرْبَعَ حَجَجٍ لَمْ تُصِبْهُ ضَغْطَةُ الْقَبْرِ أَبَدًا» (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۷)؛ که باید در مقام جمع این روایات برآمد و گفت که عذاب قبر همگانی است و منظور از مؤمنی که عذاب قبر ندارد، هر شخصی نیست؛ بلکه فردی است که به لحاظ تقوا در رتبه بعد از معصوم قرار دارد و مانند شخص معصوم تخصصاً عذاب شاملش نمی‌شود؛ و گرنه عموم افراد فشار قبر را تجربه می‌کنند. فقط به برکت برخی اعمال

خیر باشد؛ اما آیا عذاب اخروی - که به مراتب بزرگتر و فجیعتر است - برای این هدف کفایت نمی‌کند؟ (همان، ص ۳۹۴)

نقد و بررسی

اولاً این سخن حسن حنفی برگرفته از مبنای «فایده‌گرایی» است که دارد. او معیار صدق عقاید اسلامی را در میزان تأثیری که در زندگی اجتماعی انسان می‌گذارد، می‌داند (حنفی، ۲۰۱۷، ص ۶۴). در نقد این سخن باید گفت: اولاً ملاک درستی و نادرستی چیزی فایده‌مند بودن آن نیست؛ چه بسا باوری ظاهراً سودمند باشد، اما صحیح نباشد و بالعکس باوری صحیح و مطابق با واقع باشد، اما در ظاهر سودمند نباشد.

ثانیاً مگر فایده‌مندی مختص به زندگی اجتماعی است؟ چه بسا دانستن جزئیات پس از مرگ و پرسش و پاسخ و عذاب قبر و باور به آن، دارای فایده‌ای باشد که در چارچوب روابط اجتماعی نگنجد؛ مانند تحدید غرایز شهوانی و پرورش فضائل در افراد.

ثالثاً درست است که عذاب قیامت از عذاب قبر سخت‌تر است؛ اما می‌توان گفت بازدارندگی و تأثیر تشریح کیفیت عذاب قبر و تفصیلاتش از جهتی ویژه است؛ زیرا این عذاب در مقایسه با عذاب در قیامت به نوعی نقد است و هر انسانی هر لحظه خود را در شرف مرگ و گرفتار شدن به آن می‌بیند. از طرفی دیگر چون مرگ و قبر و عذاب قبر سرآغاز جدایی انسان از تمام متعلقات دنیوی و وابستگی‌هاست، بیان و تشریح جزئیات آن می‌تواند تأثیر ویژه‌ای بر افراد بگذارد.

۴. دیدگاه کلی حسن حنفی در باب عالم قبر و برزخ

حسن حنفی با طرح مسائل و پرسش‌های فوق در مورد قبر و عالم برزخ و فشار و عذاب قبر، به‌طور کلی می‌گوید: همه این اعتقادات ممکن است از آثار و بقایای عقاید قدیمی باشد که در تاریخ بشریت وجود داشته؛ مانند مصریان که اعتقاد به بازگشت روح به جسد داشتند (حنفی، ۲۰۲۰، ص ۳۷۲). و همه این مسائل ممکن است یک تصور عامیانه باشد که به‌خاطر ارتباط وثیق انسان‌ها با مسئله مرگ بوده و در تاریخ بشری از پرستش مردگان و... نشئت گرفته است (همان، ص ۳۷۵). عذاب قبر یک تصور عامیانه است که انسان آنچه را که در محسوسات می‌بیند را به عالم قبر که از دید پنهان است، نسبت می‌دهد. مانند: تاریکی، هوای ساکن، بوی متعفن، تنهایی، عزلت و... مرگ که با مقایسه آن با زندگی شناخته می‌شود (همان، ص ۴۰۱).

این طرز نگاه به تصورات مردم یونان و رومیان و اعتقادات یهودی و مسیحایی آنها نزدیک‌تر است. اینکه گفته شود ارواح در فضای باز قسمت بالای قبور هستند نیز تصویری است که به جهت انطباق با تصور از طبیعت روح است که پرواز می‌کند و نیازمند مکان وسیع برای سهولت در حرکت است (همان، ص ۳۷۶). بسیاری از مفاهیم از تصوف می‌آید که در تخیلات عمومی فراوان است و ارواح مجرد را به سرزمین شادی‌ها توصیف می‌کند (همان، ص ۳۹۶).

عذاب ارواح تصویری هنری است که از زمان حال به آینده فرافکنی می‌کند و آینده را براساس حال تصور می‌کند (همان، ص ۳۹۵).

نقد و بررسی

۱. به گفته حسن حنفی احتمال دارد باور به عالم قبر و برزخ از اقوام و ادیان گذشته گرفته شده باشد و صرف احتمال نشئت گرفتن یک باور از اقوام گذشته، دلیل بر درستی این ادعا نمی‌شود.

۲. در صورت صحت احتمال (اخذ باور به عالم قبر و برزخ از اقوام گذشته) نیز باید گفت که نشئت گرفتن یک باور از اقوام یا ادیان گذشته دلیل بر بی‌اساس بودن آن باور نمی‌شود. شاید یک باوری از گذشتگان گرفته شده باشد؛ اما باوری درست و متقن باشد.

۳. صرف مشترک بودن یک باور دلیل بر اخذ آن از یکدیگر نیست؛ چه بسا خود همین عمومی بودن یک باور، دلیلی بر اتقان و مطابق با واقع بودن آن باور باشد.

۴. برای اثبات عالم قبر و برزخ، ادله کافی و متقن عقلی و نقلی

وجود دارد و وقتی باوری مبتنی بر ادله باشد، دیگر اینکه گفته شود این باور به‌خاطر احساسات و ترس از مرگ است، صحیح نخواهد بود. در فلسفه، مخصوصاً مکتب اشراق و حکمت متعالیه بر وجود عالم برزخ (قبر) از طریق براهینی مانند قاعده امکان اشرف، استدلال شده است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۱۰). در قرآن کریم نیز آیاتی دال بر وجود عالم برزخ وجود دارد. به‌عنوان نمونه خداوند تعالی می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمُ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون: ۹۹-۱۰۰). منظور از برزخ در این آیه همان عالم قبر یا عالم مثال است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۱۹۸-۱۹۹). یا در جای دیگر می‌فرماید: «يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (ابراهيم: ۲۷). برخی

مفسران گفته‌اند: منظور از «فی الآخرة» تثبیت قول در هنگام پرسش و پاسخ در قبر است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۱۴۲). مرحوم طبرسی نیز در مورد این آیه می‌فرماید: «قال أكثر المفسرين إن المراد بقوله «فی الآخرة» فی القبر و الآیة وردت فی سؤال القبر و هو قول ابن عباس و ابن مسعود و هو المروى عن أئمتنا» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶ ص ۴۸۲). در روایات نیز می‌توان ادعای تواتر معنوی بر وجود عالم برزخ کرد (قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۲۰۶).

۵. با توجه به مطالب بالا باید گفت اگرچه در چگونگی پرسش و پاسخ و پاداش و جزا در عالم قبر بین فرق مختلف اسلامی اختلاف نظر وجود دارد؛ اما اصل وجود آن از مسلمات قاطبه فرق اهل سنت (نارویی، ۱۳۸۹) و شیعه است. چنان‌که در صحیح بخاری از رسول اکرم ﷺ منقول است که از حضرت در مورد عذاب قبر سؤال شد و حضرت فرمود عذاب قبر حق است (بخاری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۳۷). شیخ صدوق نیز می‌فرماید: «اعتقادنا فی المسئلة فی القبر أنها حق لا بد منها، فمن أجاب بالصواب فاز بروح و ریحان فی قبره، و بجنة نعيم فی الآخرة، و من لم یأت بالصواب فله نزل من حميم فی قبره وَ تَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ فی الآخرة» (صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۵۸).

۶. مدعیات و اشکالات حسن حنفی اکثراً به‌خاطر مادی دانستن عالم قبر و برزخ بود؛ و اگر ما این مسئله را اثبات کنیم که عالم قبر و برزخ غیرمادی است، عمده اشکالات ایشان برطرف می‌گردد. برای این مسئله تحلیل عقلی و دلیل نقلی ذکر شده است. اما تحلیل عقلی اینکه آنچه در احوالات سؤال و جواب و پاداش و جزا در قبر ذکر شده، اکثراً با قبر مادی قابل توجیه نبوده و لوازمی دارد؛ مثلاً ۱. اگر عذاب قبر مادی باشد باید بتوان با دوربین رصد کرد. ۲. در صورت مادی بودن پاداش و جزا در قبر، باید تعداد بی‌شماری باغ و بهشت و یا حفره‌های عذاب می‌داشتیم. ۳. لازمه مادی‌انگاری قبر وجود انواع حیوانات و خزندگان در زیر خاک بود که با یافته‌های تجربی قابل اثبات نیست. پس برای جمع بین دو دسته روایات، به‌دلیل مسائلی که مقداری ذکر شد، باید ظاهر روایات دال بر مادی بودن عذاب قبر حمل بر قبر برزخی شود (قدردان قراملکی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲-۱۱۴).

در روایات نیز به‌وضوح بیان شده است که منظور از قبر همان برزخ است و آنچه در روایات در مورد پرسش و پاسخ و عذاب در قبر بیان شده، عالم برزخ مقصود است، نه قبر مادی. راوی از امام صادق ﷺ نقل می‌کند که: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ إِنِّي سَمِعْتُكَ وَ أَنَّتَ

تَقُولُ كُلُّ شَيْعَتِنَا فِي الْجَنَّةِ عَلَى مَا كَانَ فِيهِمْ قَالَ صَدَقْتُكَ كُلَّهُمْ وَ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ... وَ لَكِنِّي وَ اللَّهُ اتَّخَوْفَ عَلَيْكُمْ فِي الْبَرْزَخِ قُلْتُ وَ مَا الْبَرْزَخُ قَالَ الْقَبْرُ مُنْذُ حِينَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۴۲)؛ راوی گوید به امام صادق ﷺ عرض کردم من از شما شنیدم که می‌گویید تمام شیعیان ما در بهشت هستند؛ فرمود راست گفتیم به تو؛ تمامی آنان به خدا قسم در بهشت اند... و لکن به خدا قسم من بر شما در برزخ می‌ترسم؛ گفتیم برزخ چیست؟ فرمود: همان قبر است، از هنگام مرگ تا روز قیامت.

در روایتی دیگر امام سجاد ﷺ می‌فرماید: «أَشَدُّ سَاعَاتِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثُ سَاعَاتِ السَّاعَةِ الَّتِي يُعَايِنُ فِيهَا مَلَكُ الْمَوْتِ وَ السَّاعَةَ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ وَ السَّاعَةَ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَإِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِمَّا إِلَى النَّارِ... ثُمَّ تَلَا «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون: ۱۰۰) قَالَ هُوَ الْقَبْرُ وَ إِنَّ لَهُمْ فِيهِ لَمَعِيشَةً ضَنْكاً وَ اللَّهُ إِنْ الْقَبْرَ لَرَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ...» (صدوق، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۲۰)؛ سخت‌ترین هنگام آدمی، سه وقت است: هنگامی که ملک‌الموت را می‌بیند و هنگامی که از گور برخیزد و هنگامی که در پیشگاه الهی می‌ایستد که یا بهشتی شود و یا جهنمی... سپس این آیه تلاوت فرمود: از پس مرگشان عالم برزخ است تا روز رستاخیز، و فرمود: عالم برزخ همان عالم قبر است که به تنگنای زندگی دچارند. به‌خدا سوگند که قبر یا گلستانی است از بوستان بهشتی یا گودالی است از گودال‌های آتش... همان‌طور که قبلاً گذشت وقتی به قبر مادی نگاه می‌کنیم، اثری از آنچه در این روایت فرموده نمی‌بینیم؛ پس مقصود از عالم قبر، قبر مادی نیست؛ بلکه قبر مثالی یا همان جایگاه انسان در عالم برزخ است و آنچه از پرسش و پاسخ و عذاب قبر که در آیات و روایات بیان شده، متوجه بدن برزخی است. از آنچه گذشت دانسته شد که مدعیات حسن حنفی در باب عالم قبر و برزخ مبتنی بر مبانی فکری غلطی است که اتخاذ کرده است و اصل وجود عالم قبر و برزخ و پرسش و پاسخ و پاداش و جزا از مسجلات معارف دینی است.

نتیجه‌گیری

بر مبنای آنچه بیان شد، می‌توان نتایج ذیل را برشمرد:
- حسن حنفی دارای مبانی فکری نادرستی است که منجر به اظهارنظرهای غلط از جانب وی در موضوعات گوناگون از جمله

موضوع عالم قبر و برزخ گردیده است.

- مادی‌انگاری عالم قبر و برزخ که یکی از مدعاهای اصلی حسن حنفی است با اصلی‌ترین معیار پدیده‌های مادی، یعنی تجربه‌پذیر بودن آن پدیده، ناسازگار بوده و از طرفی این ادعا با یافته‌های تجربی قابل دفاع نیست.

- وجود عالم و قبر و برزخ فارغ از جزئیات آن از جمله نحوه پرسش و پاسخ و عذاب قبر، مورد اتفاق غالب فرق اسلامی است.

- وجود عالم قبر و برزخ مبتنی بر ادله عقلی و نقلی است که از مجموع آنها می‌توان به وجود چنین عالمی یقین یافت.

سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم و رسول رضوی، ۱۳۹۸، *معارف و عقاید*، چ دوم، قم، دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه.

شجاعی، محمد، ۱۳۸۸ الف، *عروج روح*، تدوین محمدرضا کاشفی، چ چهارم، تهران، کانون اندیشه جوان.

____، ۱۳۸۸ ب، *معاد یا بازگشت به سوی خدا*، چ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

صدرالمآلهین، ۱۹۸۱ م، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة*، چ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۴ ق، *الاعتقادات*، چ دوم، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

____، ۱۳۷۶، *الأملی*، چ ششم، تهران، کتابچی.

____، ۱۴۰۶ ق، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، چ دوم، قم، شریف الرضی.

____، ۱۴۱۳ ق، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

____، ۱۴۱۶ ق، *الخصال*، تصحیح مهدی غفاری، قم، نشر اسلامی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح فضل‌الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی، چ سوم، تهران، ناصرخسرو.

____، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر جوامع الجامع*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.

طبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.

طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ ق، *الأملی*، قم، دار الثقافة.

____، بی‌تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت.

قاسمی، علی محمد، ۱۳۹۳، *برزخ: پژوهشی قرآنی و روایی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

قردان فراملکی، محمدحسن، ۱۳۹۰، *دفتر پنجم: معاد*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قربانی، ره‌ره و مهدی مشکاتی، ۱۳۹۳، «تبیین عقلائی تسبیح موجودات در حکمت متعالیه»، *اندیشه نوین دینی*، ش ۳۸، ص ۹۴-۷۷.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۰، *آموزش عقاید*، چ هفتم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

____، ۱۳۹۰، *آموزش فلسفه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ ق، *الاختصاص*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.

نارویی، عبداللطیف، ۱۳۸۹، «عذاب قبر از دیدگاه شریعت اسلامی»، *نمای اسلام*، ش ۴۲، ص ۳۷-۳۲.

منابع

ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت، دار الفکر. آقاجانی، نصرالله، ۱۳۹۲، *اسلام و تجدد در مصر (یا رویکرد انتقادی به اندیشه حسن حنفی)*، قم، بوستان کتاب.

ألوسی، محمودبن عبدالله، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه. بخاری، محمدبن اسماعیل، ۱۳۹۰، *صحیح البخاری*، ترجمه عبدالعلی نور احارری، چ سوم، تربت جام، شیخ الاسلام احمد جام.

برقی، احمدبن محمدبن خالد، ۱۳۷۱، *المحاسن*، چ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.

جرجانی، سیدمیرشریف، ۱۴۱۲ ق، *شرح المواقف*، قم، شریف الرضی.

حاجی میرزایی، شبنم، ۱۳۹۷، *آراء و اندیشه‌های حسن حنفی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه الزهراء.

حسینی زبیدی، محمدمرتضی، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.

حلی، حسن‌بن یوسف، ۱۴۰۷ ق، *کشف المراد*، تصحیح حسن حسن‌زاده آملی، قم، جامعه مدرسین.

حنفی، حسن، ۱۳۷۵، «تاریخ‌مندی دانش کلام»، ترجمه محمدمهدی خلجی، *نقد و نظر*، ش ۹، ص ۵۷-۳۷.

____، ۲۰۱۷ م، *التراث والتجديد*، قاهره، مؤسسة الہندووی.

____، ۲۰۲۰ م، *من العقیدة الی النور*، قاهره، مؤسسة الہندووی.

راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیه.